

کتابخانه

الکساندر دوما و رمان داستان بزرگ کار

مکتب عباس پژمان

پسندند و هم خاص پسند اما این طور نیست که دوما را بیاوریم در ردیف دانیل استیل قرار دهیم. او یکی از نویسندگان بزرگ دنیاست که می‌توانیم کار او را در ردیف «هزار و یک شب» خودمان قرار دهیم که هم ارزش ادبی دارد و هم خواننده‌گان عادی آن را می‌خوانند. البته در کشور ما هیچ‌وقت رمان زیاد هم از داستان‌پردازی دور نشده بنابراین هنوز زود است که رمان ما به راه‌هایی برود که داستان‌پردازی را کنار بگذارد و تقریباً جز در کار عده معدودی هنوز این اتفاق به طرز افراطی رخ نلاده است. و به همین دلیل می‌بینیم که رمان نسبت به داستان کوتاه خواننده بیشتری دارد حتی الان تیراژ رمان‌ها خیلی بیشتر از مجموعه داستان‌هاست. رمان تأثیر بیشتری دارد و مدت بیشتری ذهن را درگیر می‌کند. رمان‌های پرطرفدار باید به دو دسته تقسیم کرد آن‌ها که در عین پرکشش و پرخواننده بودن ارزش ادبی بالایی هم دارند مثل نوشته‌های تولستوی و دسته دوم فقط عامه‌پسند هستند و ارزش ادبی چندانی ندارند. ولی آثار دوما هم مردم پسند است و هم مخاطب جدی دارد. برخی داستان‌های دوما در گروه داستان تاریخی می‌گنجد اما نه به معنای مطلق مستند اجتماعی، بلکه او از فضای تاریخی سود می‌برد که این خود در خواننده علاقه ایجاد می‌کند. زمان خواندن و فرصتی که خواننده برای یک کتاب می‌گذارد روز به روز کمتر می‌شود. یعنی اگر پنج سال پیش خیلی راحت «سه تفنگدار» خوانده می‌شد آیا الان کسی هست که فرصت داشته باشد این کتاب‌ها را بخواند؟

است که تأثیر دوما را در رمان بعد از او و به ویژه در قرن ۲۰ کمتر می‌بینیم. یکی دو دهه اخیر باز رمان به داستان‌پردازی اهمیت داده و شاید در راهی که رفته بود دچار کمی سرخورده‌گی شده است. از طرفی تردیدی نیست که برخورد خوانندگان با آثار دوما مثبت بوده است «سه تفنگدار» او یکی از شاهکارهای رمان دنیاست و ما کمتر رمانی را داریم که به این اندازه داستان‌پردازی‌اش قوی باشد و پرکشش و

این طور نیست که دوما را بیاوریم در ردیف دانیل استیل قرار دهیم او یکی از نویسندگان بزرگ دنیاست که می‌توانیم کار او را در ردیف «هزار و یک شب» خودمان قرار دهیم که هم ارزش ادبی دارد و هم خواننده‌گان عادی آن را می‌خوانند

با یک زبان خوب که طرحش چندان پیچیده‌گی نداشته باشد به گونه‌ای که خواننده ۱۰ جلد را راحت بخواند. در کشور ما هم این اثر چه قبل و چه بعد از انقلاب خواننده‌گان زیادی داشت و خیلی‌ها شاید از طریق این رمان یا آثار دیگری از این دست به مطالعه ادبیات داستانی علاقه‌مند شدند این کتاب همچنان خواننده دارد با این‌که سال‌های سال از چاپ اولش می‌گذرد. چون آثار دوما هم عامه

در قرن نوزدهم رمان به طور کلی در فرانسه خیلی رونق داشت و فرانسه مرکز ادبیات داستانی جهان بود. تا قرن بیستم ما رمان فرانسه را می‌توانیم در سه شاخه تقسیم بندی کنیم: رمان‌هایی که به داستان‌پردازی اهمیت می‌دهند، رمان‌هایی که به روان‌شناسی و روایات قهرمان‌ها توجه دارند و رمان‌هایی که خود نویسنده‌گی، زبان و شگرد داستان‌نویسی در آن‌ها بیشتر مرکز توجه بود.

ویژه‌گی‌های شاخه سوم، یعنی رمان‌هایی که به نویسنده‌گی و زبان اهمیت می‌دهند در کارهای گوستاو فلوبر دیده می‌شوند به اوج می‌رسد. شاخه دوم در آثار استنرال به بهترین شکل ظهور می‌کند و نقطه اوج رمان‌هایی که به داستان‌پردازی و فضای داستان اهمیت می‌دهند در آثار دوما دیده می‌شوند. الکساندر دوما یک داستان‌پرداز کم نظیر است و شبیه او چه قبل و چه بعد از خودش کم داریم. به خصوص با آن حجم آثاری که دوما دارد و همه‌شان فضا سازی خیلی قوی و تعلیق‌های زیبایی دارند.

اما متأسفانه رمان در قرن ۲۰ و بعد از دوما کمتر به راه او رفت. در همان ابتدا در فرانسه نویسندگان، داستان و داستان‌پردازی را از کارهای خودشان کنار گذاشتند و شاید علت عمل‌ش پیدایش رقیب قدرتمند برای ادبیات یعنی سینما بود چون کاری که رمان در چند صفحه و گاهی در یک کتاب انجام می‌داد سینما در چند ثانیه انجام می‌داد. پس رمان به راهی رفت که سینما نتواند با آن رقابت کند و بیشتر دنباله رواستنرال و فلوبر شد. این گونه